

بررسی پیامدهای جهاد نکاح از منظر حق بر سلامت: با تأکید بر قرآن کریم و فقه و حقوق پزشکی

عطاءالله رجالی^۱، مرتضی طبیبی جبلی^{۲*}، مسعود راعی دهقی^۳

چکیده

هدف: حق برخورداری از بالاترین استانداردهای قابل حصول سلامتی یا حق بر سلامتی یکی از حق‌های بشری است که در اسناد حقوق بشری بر اهمیت آن تأکید شده است. سلامت فردی، به‌عنوان یکی از مهمترین مؤلفه‌های کرامت هر انسانی محسوب می‌شود. از این‌روی حق بر سلامتی به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری در نظام بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. از این‌رو هر پدیده‌ای که سلامتی افراد را با تهدید مواجه نماید به‌عنوان یک خطر و نقض‌کننده حقوق بشر محسوب می‌شود. حال باید دید جهاد نکاح به‌عنوان یکی از پدیده‌های نوظهور از جمله تهدیدات حق سلامتی افراد است یا خیر؟

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است که با مراجعه به قرآن کریم و ادله فقهی - حقوقی اطلاعات لازم به‌دست آمده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: بررسی منابع اسلامی از جمله آیات، روایات و کتب فقهی نشان می‌دهد که دین مبین اسلام نیز تأکیدات فراوانی بر لزوم حفظ و ارتقای سلامت افراد دارد. داشتن حق حیات و سلامتی یکی از حقوق طبیعی انسان است که خداوند به بشر ارزانی داشته است؛ و موافق کرامت انسانی است؛ و هر موجودی حتی حیوانات و گیاهان نیز از حق حیات و سلامت برخوردارند. خداوند می‌فرماید: *وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً (اسراء/۷۰)*؛ «و به یقین فرزندان آدم را گرامی داشتیم؛ و آنان را در خشکی و دریا، (بر مرکبها) سوار کردیم؛ و آنان را از پاکیزه‌ها روزی دادیم؛ و ایشان را بر بسیاری از کسانی که آفریدیم، کاملاً برتری دادیم». از سوی دیگر جهاد نکاح به خاطر ارتباط فرد با بیش از یک نفر، آثار و عوارض مخربی بر سلامتی افراد دارد و طرف مقابل را با تهدیدات سلامت و بهداشت مواجه می‌کند. اینجاست که حق بر سلامت به‌عنوان یک حق شناخته شده بین‌المللی، مشروعیت این پدیده را زیر سؤال می‌برد و قرآن کریم نیز افراد از به خطر انداختن سلامت خود بر حذر می‌دارد و می‌فرماید: *وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ (بقره/۱۹۵)*.

نتیجه‌گیری: قرآن کریم، ادله فقهی و حقوق پزشکی حق بر سلامت را به رسمت شناخته‌اند. از آنجایی که جهاد نکاح در مغایرت آشکار با حق بر سلامت افراد است لذا با استناد به ادله پیش گفته می‌توان به عدم جواز و وجوب جلوگیری از انعقاد آن نظر داد.

واژگان کلیدی: آیات قرآن کریم، جهاد نکاح، حق بر سلامت، فقه پزشکی.

۱. دانش‌آموخته دکتری، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
۲. نویسنده مسئول. استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
۳. دانشیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

مقدمه

حق برخورداری از بالاترین استانداردهای قابل حصول سلامتی یا حق بر سلامتی یکی از حق‌های بشری است که در اسناد حقوق بشری بر اهمیت آن تأکید شده است. سلامت فردی، به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه‌های کرامت هر انسانی محسوب می‌شود. از این‌رو حق بر سلامتی به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری در نظام بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. از این‌رو هر پدیده‌ای که سلامتی افراد را با تهدید مواجه نماید به عنوان یک خطر و نقض‌کننده حقوق بشر محسوب می‌شود. جهاد نکاح یکی از پدیده‌های نوظهور در جهان اسلام است که گروه‌های سلفی-تکفیری آن را تبلیغ و ترویج کردند. این پدیده از ابعاد گوناگون قابل بررسی و تحلیل است لکن آنچه در این پژوهش در کانون توجه قرار گرفته است تهدیدات این پدیده برای سلامت افراد به خصوص زنانی که در این وقایع مورد آسیب‌های جسمی و روحی قرار می‌گیرند است؛ بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که آیا جهاد نکاح به عنوان یکی از پدیده‌های نوظهور از جمله تهدیدات حق سلامتی افراد است یا خیر؟ برای این بررسی این پرسش باید مبانی حق سلامت از دیدگاه قرآن کریم، فقه و حقوق مورد تحلیل قرار گیرد و درگام بعدی رابطه این پدیده و تأثیر آن بر سلامت افراد مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

حق بر سلامت

در اسناد بین‌المللی، سلامت این‌گونه تعریف شده است: «برخورداری از آسایش کامل جسمی روانی و اجتماعی و نه فقط نداشتن بیماری و نقص عضو» (ر.ک: اساسنامه سازمان بهداشت جهانی). در اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی نیز مواردی از حق بر سلامت دیده می‌شود. در ماده دوم این اعلامیه آمده است: «وضع بهداشت و سلامت و برخورداری از خدمات اجتماعی و خانواده از طرف جامعه. دولت. با آماده

کردن همه وسایل عمومی که وضع بهداشت و زندگی تأمین اجتماعی در حدود امکانات به آن‌ها نیازمند است. حق هر انسانی است و باید تأمین و مراعات شود». بر اساس بند اول این ماده «دولت‌ها وظیفه دارند با ساخت بسترهای لازم و مناسب و کافی زمینه دسترسی تمامی شهروندان را به خدمات بهداشتی و درمانی و رفاهی فراهم سازند و هیچ‌کسی به هیچ بهانه‌ای نباید تحت ستم قرار گرفته و از آن محروم گردد.»

بند دوم این ماده اشاره می‌کند که «دولت‌ها باید حق هر انسان را برای یک زندگی با کرامت که کفایت او و اشخاص تحت کفالت او را تحقق ببخشد، ضمانت نماید. موضوع این حق، خوراک و پوشاک، مسکن، تعلیم و تربیت، معالجات و دیگر نیازهای اساسی را شامل می‌شود.»

جهاد نکاح

در حقیقت جهاد نکاح از دو لفظ جهاد و نکاح شکل گرفته است که هرکدام از این دو واژه در لغت و اصطلاح معانی مختلفی دارند و به شرح ذیل در کتب مختلف تعریف گشته‌اند.

تعریف لغوی و اصطلاحی جهاد

جهاد از ریشه جیم و هاء و دال است که در کتاب معجم مقاییس اللغة آمده است:

«اصل آن به معنای مشقت است سپس آنچه بدین معنا نزدیک بوده بر آن حمل شده است» (۱)

جهاد در اصطلاح فقهی چنین تعریف گردیده است:

«گونه‌ای خاص از تلاش است یعنی مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دارایی‌های دیگر خود با هدف گسترش اسلام یا دفاع از آن» (۲).

تعریف لغوی و اصطلاحی نکاح در کتب لغت برای کلمه نکاح معانی مختلفی بیان شده است و اختلاف نظر وجود دارد در اینکه معنای نکاح، حقیقت در چیست و معنای مجازی آن نیز اختلاف شده است لکن در میان اقوال نهایتاً بین دو معنا

زن شوهردار و محارم هم می‌توانند ارتباط جنسی با فرد جهادگر داشته باشند.

مبانی حق بر سلامت از دیدگاه قرآن کریم در اینجا به بررسی و تبیین برخی از مبانی حق بر سلامت و بهداشت که در قرآن مطرح شده است می‌پردازیم.

۱- مرگ تدریجی نتیجه عدم توجه به بهداشت و سلامت بیشتر مرگ‌ومیرهای جهان سوم بر اثر عدم رعایت بهداشت (فردی، جمعی، مادر، محیط، کودک، تغذیه، جنسی و...) اتفاق می‌افتد. قرآن با صراحت از رفتن به سوی مرگ نهی می‌کند: *وَلَا تَلْبِسُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ* (بقره / ۱۹۵). شیخ طوسی هر عملی را که عواقبش هلاکت و نیستی باشد مصداق آیه فوق می‌داند (۶)؛ برای مثال، شروع به جنگی که قدرت بر دفاع نباشد (۶)، فقر زیاد، احسان بیش از ظرفیت (۶)، مصداق آیه و نوعی رفتن به سوی مرگ است. نیز قلمرو آیه را به مورد خاصی محدود نکرده‌اند و تفسیری عام از آن به دست داده‌اند. آیت‌الله مکارم شیرازی نیز عدم جواز عبور از جاده خطرناک و بدون وسایل ایمنی در هوای بد یا خوردن غذایی که به احتمال قوی آلوده به سم است از مصادیق آیه دانسته‌اند (۷)؛ از این رو، عدم رعایت بهداشت و بی‌توجهی به سلامتی و عدم مراجعه به پزشک مساوی با حرکت به سوی مرگ تدریجی است که مصداق آیه فوق است و قرآن آن را منع کرده است.

۲- امر به معروف در امر بهداشت و سلامت مردم امر به معروف در اسلام از جایگاه خاصی برخوردار است و برای آن مصداق خاصی مشخص نشده است. راغب اصفهانی می‌نویسد: «معروف» هر فعلی است که خوبی آن به وسیله عقل یا شرع شناخته شود. (مفردات، ذیل واژه عرف). قرآن معروف را به خیر تفسیر می‌کند: *وَلْيَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ* (آل عمران / ۱۰۴)؛ «و باید از میان شما،

اختلاف است که یکی عقد و دیگری وطی است که به بیان آن می‌پردازیم.

در معجم مقاییس اللغة آمده است: «نکاح به معنای بضع و بضاع) یعنی لذت بردن است و وقتی گفته می‌شود زن ناکح یعنی زنی که شوهر دارد. نکاح به معنای عقد است نه وطی و مجامعت» (۳).

جوهری می‌گوید: «نکاح به معنای وطی است و گاهی به معنای عقد به کار می‌رود»

در العین آمده است: «نکح به معنای بضع و لذت بردن است و برای تزویج و ازدواج نیز به کار می‌رود مانند زن ناکح که به معنی زن شوهردار است» (۴).

در رابطه با تعریف نکاح در اصطلاح فقهی مرحوم نراقی چنین می‌گوید:

«نکاح در لغت فقط حقیقت در عقد ازدواج است بنا بر قول صحیح‌تر به دلیل تبادل عرفی و اصالت عدم نقل و اینکه عقد چیز جدید و تازه‌ای است و در اسلام به وجود آمده صحیح نیست زیرا برای هر دین و ملتی عقده وجود دارد و گفته شده که فقط حقیقت در وطی است بلکه قول مشهور همین است چنانچه گفته شده، بلکه بر آن اجماع واقع شده است که این اجماع در مختلف ذکر شده است. قول دیگر اینکه نکاح حقیقت است بین عقد و وطی چون در هر دو استعمال شده است و استعمال نشانه حقیقت است. نظریه دیگر اینکه مجاز است در عقد و وطی به دلیل اینکه به کاررفته است به طور ضمنی و همراه با دیگر کلمات و غلبه و کثرت استعمال ولی این قول رد می‌شود چون مأخذ و منبع ثابت نیست» (۵).

در نتیجه جهاد نکاح بدین معناست که افراد جهادگر هنگام جهاد به صورت موقت با زنان ازدواج می‌کنند و به خاطر ضرورت و شرایط خاص در جهاد، شرایط عده را رعایت نکرده و چند نفر از افراد جهادگر در طول یک روز می‌توانند با یک زن بدون فاصله زمانی ارتباط زناشویی برقرار نمایند و در این نوع از نکاح،

بررسی پیامدهای جهاد نکاح از منظر حق بر سلامت: با تأکید بر ...

گروهی (مردم را) به سوی نیکی دعوت کنند و به [کار] پسندیده فرمان دهند...». امر به معروف هر چند واجب کفایی است (۶)، شامل هر عمل خیری می‌شود.

در احادیث به اصل امر به معروف تأکید فراوان شده و از جهاد فی سبیل الله برتر معرفی گردیده است (۸) و کسانی که به امر به معروف می‌پردازند جانشین خدا و رسول معرفی کرده‌اند. (۹). دانشمندان گذشته و حال دایره امر به معروف را محدود

نگرفته‌اند؛ برای مثال، ضیاء الدین محمد بن محمد معروف به ابن اخوه از محدثان شافعی مصر (۶۴۸ ق/ ۱۲۵۰ م) در آخر کتابش با عنوان «معالم القربة فی احوال الحسبه» به بهداشت عمومی، امور و وظایف پزشکان اشاره دارد و با استفاده از احادیث نبوی، فراگیری علوم پزشکی را واجب کفایی می‌داند (ابن اخوه، معالم القربة فی احوال الحسبه، ص ۲۵۴). وی امر به معروف در زمینه سلامت و بهداشت مردم را مورد تأکید قرار داده، می‌نویسد: اگر در مغازه لبنیات‌فروشی مگس فراوان و درب ظروف ماست و شیر باز و لباس فروشنده کثیف باشد، امر به معروف لازم است.

باملاحظه طب نبوی و طب الصادق و طب الرضا و رساله ذهبیه درمی‌یابیم توصیه‌های بهداشتی معصومان Δ ارشادی و در راستای امر به معروف و نهی از منکر بوده است؛ زیرا دعوت مردم به سلامتی بهترین معروف و خیر است.

۳- میانه‌روی در بهداشت

میانه‌روی از مبانی بهداشت قرآنی است. واژه شناسان اسراف را تجاوز از حد در تمامی کارهای انسان (راغب، مفردات، ذیل واژه سرف) و مکارم شیرازی مصرف زیاد و زیاده‌روی در کمیت و کیفیت و بیهوده‌گرایی و اتلاف در مال (۷) و شیخ طوسی خروج از حد وسط را اسراف می‌نامند (۹). قرآن کریم عمل اسراف را از گناهان کبیره معرفی کرده است (غافر/۴۳؛ آل عمران/۱۴۷) و به بیش از ۲۰ مورد از مصادیق آن را اشاره دارد؛ مانند خوردن

(انعام/۱۴۱؛ اعراف/۳۱) فسادگری (شعراء/۱۵۱ - ۲) اسراف در نفس (زمر/۵۳) مصرف مال یتیم (نساء/۶) قتل و قصاص (مائده/۳۲؛ اسراء/۳۳) همجنس‌گرایی (اعراف/۸) فراموشی خدا (یونس/۱۲)، مقابله با پیامبران (یس/ ۱۸ - ۱۹). در احادیث تأکید شده که استفاده از هر چیزی که به صلاح و سلامتی بدن باشد، اسراف نیست، بلکه اسراف زمانی است که به بدن ضرر برساند.

مکارم شیرازی از آیه وَكَلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا (اعراف/۳۱) رعایت تغذیه و عدم اسراف و ضررهای آن را بیان می‌کند. (نمونه، ذیل آیه) علامه طباطبایی ذیل اَسْرِفُوا عَلٰی اَنْفُسِهِمْ (زمر/۵۳) اسراف بر نفس را تجاوز بر نفس می‌داند (۶)؛ از این رو، اسراف و زیاده‌روی در مسائل بهداشتی مانند شستشوی بیش از حد (وسواس) زیاده‌روی در مسواک زدن، زیاده‌روی در تغذیه، زیاده‌روی در مسائل جنسی و... با مبانی و اصول قرآنی یا سازگار است: «خیر الامور اوسطها».

۴- تلاش برای رشد علوم پزشکی و جلوگیری از تسلط دشمن یکی از شگردهای تسلط دشمن بر مسلمانان، تسلط به بهانه فقر علمی و نیازهای اقتصادی، فرهنگی و نظامی و بهداشتی است؛ زیرا از این طریق می‌تواند به خواسته‌های خود برسد. خداوند خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌کند که دشمن (یهود و نصاری) شمارا ضعیف و تابع می‌خواهد:

«وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ (بقره/۱۲۰) و در آیه‌ای دیگر به صراحت به عدم تسلط دشمن بر مسلمانان اشاره می‌کند: وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء/۱۴۱)؛ «و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است». از آنجاکه کلمه «سبیل» نکره و در سیاق نفی است و معنای عموم را می‌رساند، از آیه استفاده می‌شود که کافران نه تنها از نظر منطق، بلکه از نظر نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... بر افراد باایمان چیره نخواهند شد؛ از این رو، لازم است که مسلمانان در مسئله علوم بهداشتی

و پزشکی به حدی برسند که راه تسلط دشمن را سد نمایند.
 امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید:
 «اگر خطر تسلط سیاسی و اقتصادی دشمن بر حوزه اسلام تا جایی باشد که دشمن، جامعه اسلامی را به اسارت سیاسی و اقتصادی خود بکشاند و موجب سستی اسلام و مسلمانان شود و آنان را ضعیف سازد، در این صورت بر مسلمانان واجب است با وسایل آنچه شبیه دشمن دارند، از خود دفاع کنند» (۱۰).
 نکته جالب توجه آن است که حوزه بهداشت و نیازهای آن از مواردی است که زمینه‌ساز تسلط دشمن است که نباید اجازه دهیم بر ما تسلط یابند.

۵- هدایت و کمال بشر در پرتو سلامت

یکی از اهداف نزول قرآن هدایت و تربیت معنوی بشر است: «وَهْدَى لِلنَّاسِ» (انعام/۹۱) و این هدایت بدون سلامتی بشر ممکن نیست. جامعه بیمار و مملو از مرض و عدم رعایت اصول بهداشت و سلامت نمی‌تواند مایه سعادت دنیایی و اخروی باشد؛ از این رو، در اسلام شاهد احکامی هستیم که رابطه مستقیم با سلامتی اعضاء و جوارح دارد؛ مانند وضو برای نماز، امساک از غذا در روزه، روبه‌قبله ایستادن، غسل، نخوردن غذاهای حرام و... (ر. ک: اهتمام، فلسفه احکام، ج ۲). قرآن با سه مقوله اخلاقی، احکام و عقاید برای بشر نازل شد و هر سه با بهداشت روان و جسم بشر رابطه دارد و نمی‌توان سلامتی جسم و روان را از احکام و اخلاق جدا کرد. همان‌طور امام سجاد در دعای صحیفه سجادیه فرمودند: «وَأُزِّقِنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةِ (دعای ۲۰۰)»؛ خدایا سلامتی را روزی من قرار ده تا بتوانم عبادتت نمایم».

۶- بهره‌گیری از جهان هستی به عنوان اسباب الهی در سلامت با بررسی آیات الهی درمی‌یابیم خداوند مخلوقی را که با کمک اسباب و وسایل مادی خلق کرده باشد با صیغه جمع مطرح

می‌کند، برای مثال، درباره خلقت انسان‌ها می‌فرماید: نَجْنُ خَلِقْنَاكُمْ (واقعه/۵۷)؛ «ما شما را خلق کردیم»، در حالی که نقش پدر، مادر، تغذیه و... به عنوان وسایل و اسباب در خلقت انسان قابل انکار نیست. همچنین درباره نزول باران می‌فرماید: وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً (مؤمنون/۱۸)؛ «ما از آسمان آبی را نازل کردیم» قطعاً نزول باران از آسمان علاوه بر قدرت خداوند، نیازمند اسباب دیگری از قبیل خورشید، ابر، دریا، باد و... است؛ به همین سبب خداوند از خودش با صیغه جمع یاد می‌کند تا اشاره نماید اسباب دیگر به عنوان مأمور ویژه خدا در جهان طبیعت ایفای نقش می‌کنند.

امام صادق علیه‌السلام در حدیثی به فعل خدا همراه با اسباب اشاره لطیفی دارد و می‌فرماید: «أَبَى اللَّهُ أَنْ يَجْزِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا؛ خدا ابا داشته و نمی‌پسندد که چیزها را جاری و برقرار گرداند؛ مگر به وسیله اسباب و دست‌آویزها، پس برای هر چیزی سببی قرار داد» (۱۱)
 در حدیثی آمده است، زمانی که حضرت موسی علیه‌السلام بیمار شد، به پزشک مراجعه نکرد و از دارو استفاده نمودند، بلکه شفای خود را از خدا طلب کرد. خداوند خطاب به ایشان فرمود: شفای من در پزشک و داروست. این‌ها اسباب شفای من هستند تا از آن‌ها استفاده نکنی، شفایی از طرف ما نیست. کره ماه، خورشید و مخلوقات دیگر جزء اسباب الهی در سلامتی انسان هستند که هیچ‌کس قادر به انکار تأثیر آن‌ها در سلامتی نیست. حتی رنگ‌های سبز و زرد در نشاط و روان انسان دارای تأثیر هستند؛ در نتیجه، طبیعت و جهان خلقت تأثیر مستقیم در سلامت انسان دارد و ضرورت دارد از آن‌ها به صورت شایسته و بهینه استفاده شود.

۷- لزوم حفظ بدن به عنوان امانت الهی

اعضاء و جوارح انسان امانت الهی هستند. در قرآن آمده است: «أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ...» (یونس/۳۱) «یا چه

کسی صاحب‌اختیار گوش [ها] و چشم‌هاست؟» «ام» در آیه منقطعه است، یعنی مالکیت اعضای انسان در دست خداست و انسان امانت‌دار است. نیز آمده است: بَلْ لَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلِّ لِهٍ قَائِتُونَ (بقره/۱۱۶) و أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ... (بلد/۸ و ۹). امام خمینی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جراحات متناهی شخص بر بدن را حرام می‌داند (استفتائات امام خمینی، ج ۳، ص ۵۸۰) حتی خوردنی‌هایی که به بدن ضرر داشته باشد را حرام می‌شمرد (۱۲) و بدن و اعضا و جوارح را امانت الهی تلقی می‌کنند و معتقدند انسان در سلامتی و حفظ آن کوشا باشد (۱۰).

۸- تلاش برای رسیدن به قله‌های علوم پزشکی، بهداشت و سلامت

حرکت به‌سوی بی‌نهایت، یکی از دغدغه‌های فکری بشر است. امام صادق علیه‌السلام کسی را که دو روزش مساوی باشد مغبون و فریب‌خورده می‌نامد. قرآن در مسئله نظامی خواهان برتری مسلمانان در تمام زمینه‌ها (نیروی انسانی، نظامی، اسلحه و...) است: وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْبَغْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُزْهَبُونَ بِهِ عِدْوُ اللَّهِ وَعِدْوُكُمْ (انفال/۶۰)؛ «و هر چه در توان دارید، از نیرو و از اسب‌های آماده برای (مقابله با) آن (دشمن) ان، آماده‌سازید». کلمه «قوة» نه تنها وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در برمی‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به‌نوعی در پیروزی بر دشمن اثر دارد، شامل می‌شود و اعم از نیروهای مادی و معنوی است. از قدرت‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی نیز که در مفهوم «قوة» مندرج هستند و نقش بسیار مؤثری در پیروزی بر دشمن دارد، نیز نباید غفلت کرد (۷).

در روایات اسلامی برای کلمه «قوة» تفسیرهای گوناگونی شده که از وسعت مفهوم این کلمه حکایت می‌کند؛ مثلاً در بعضی از روایات می‌خوانیم که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

فرمود: منظور از قوة «تیر» است و در روایت دیگری آن را هرگونه از اسلحه می‌داند؛ و تفسیر عیاشی منظور از آن را شمشیر و سپر بیان‌شده است. یکی از مصداق‌های قوة در آیه آن است که مسلمانان موهای سفید را به‌وسیله رنگ سیاه کنند! یعنی اسلام حتی رنگ موها را که به سرباز بزرگسال چهره جوان‌تری می‌دهد تا دشمن مرعوب گردد، از نظر دور نداشته است، لذا واژه «قوة» عام است و شامل تمامی موارد از جمله علوم پزشکی و بهداشت، اقتصاد، فرهنگ، سیاست و... می‌شود.

۹- توجه به آزمایش بودن بیماری

خداوند یکی از اهداف خلقت را در عرصه گیتی، آزمایش بندگان می‌داند و بر همین مبناء بر آن مردم را به بلیات و مصائب دنیا می‌آزماید. قرآن در این باره می‌فرماید: وَلِنَبْلُوَنَكُمْ بَشِيءًا مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرَ الصَّابِرِينَ (بقره/۱۵۵؛ ر.ک: ص ۴۱)؛ «و قطعاً [همه] شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش در ثروت‌ها و جان‌ها و محصولات آزمایش می‌کنیم و به شکیبایان مژده‌ده». استفاده صحیح از بدن و حفظ آن از بیماری و تلاش برای سلامتی و... یکی از امتحان‌های الهی است که اکثر مردم از آن غافل‌اند. برخی از مفسران از آیه وَبَلَّوْنَاہُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ (اعراف/۱۶۸)؛ استفاده کردند که مراد از حسنات... صحت بدن است که مورد امتحان قرار گرفته می‌شود. بیماری حضرت سلیمان و شفا گرفتن وی از باب امتحان بوده است.

۱۰- توجه به تغذیه ضامن سلامت فرد

یکی از نیازهای اصلی بدن، تغذیه است و در قرآن به تغذیه توجه خاصی شده است؛ برای نمونه، چهار بار «فلینظر» آمده است که دو بار آن به کیفیت غذا (عبس/۲۴؛ کهف/۱۹) و یک‌بار آن به خلقت (طارق/۵) و چهارمی به اعمال (حج/۱۵) اشاره دارد؛ یعنی بین خلقت بشر و خوردن غذا و اعمال او رابطه

مستقیمی است.

در قرآن به برخی از موارد تغذیه قسم یاد می‌کند (تین/ ۱) که نشان از اهمیت آن‌هاست. همچنین از آیات قرآن استفاده می‌شود که نوع غذا در رفتار و اعمال انسان اثر دارد: «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (مؤمنون/ ۵۱)» و در سوره ای دیگر برخی از غذاها را رجس نامیده است...: «إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِيتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خَنزِيرٍ فَإِنَّهُ رَجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلٍ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ... (انعام/ ۱۴۶)؛ «جز اینکه مرداری باشد یا خون ریخته شده یا گوشت خوک چرا که این (ها) پلید است، یا (حیوانی که) از روی نافرمانی، [به هنگام سربریدن، نام] غیر خدا بر آن بانگ زده شده است».

رجس به معنای پلید آمده و در مجمع‌البیان از زجاج نقل شده که رجس نام هر کار تنفرآور است (۹) در قرآن مجید چیزها و کارهایی که با رجس توصیف شده، به‌قرار زیر است: خمر، قمار و بت‌ها (مائده/ ۹۰)، میت، خون و گوشت خوک (انعام/ ۱۴۵)؛ از این رو، تغذیه یکی از اساسی‌ترین رکن تشکیل جسم و رابطه نزدیک با اعمال انسان دارد.

مبانی حق بر سلامت از دیدگاه فقه

با وجود آنکه مفهوم «حق بر سلامت» در معنای رایج و امروزی آن مفهومی مدرن است، اما نمی‌توان فقه اسلامی را یکسره بی‌توجه به آن دانست. به نظر می‌رسد فقه ظرفیت‌هایی دارد که می‌تواند از وجوه گوناگون بر حق بر سلامت تأکید کند. به نظر ما مهمترین ظرفیت را باید در ارجاع و استفاده از قواعد فقهی جست‌وجو کرد. قواعد فقه، گزاره‌های کلی ایجاد می‌کنند که با استناد به آن می‌توان مفهوم حق بر سلامت را وارد گفتمان فقهی کرده و حتی از جنبه‌هایی آن را ارتقا بخشید. از مهمترین این قواعد می‌توان به‌قاعده وجوب حفظ نفس، قاعده لاضرر، قاعده اتلاف و قاعده لاجرم و رفع عسر اشاره کرد.

قاعده لاضرر و لاضرر فی الاسلام

از مهمترین قواعد فقهی که در بسیاری از ابواب فقهی کاربرد دارد و فقها به استناد به این قاعده به استنباط احکام شرعی پرداخته‌اند، قاعده لاضرر است. طبق این قاعده هر حکم شرعی که زیان آفرین باشد، تشریح نشده و شارع مقدس در اسلام این قوانین را وضع نکرده که منشأ واردکردن ضرر به دیگران یا به خود مکلف شود. در مورد ترمینولوژی و ادله این قاعده بحث‌های دامنه‌داری صورت گرفته است که ورود به آن این نوشته را از هدف اصلی خود دور می‌کند. در اینجا صرفاً بر این نکته تأکید داریم که این قاعده در فقه پزشکی بسیار پرکاربرد است و می‌توان یکی از کاربردهای این قاعده را در حق بر سلامت پیگیری کرد. توضیح اینکه با توجه به تقریری که امام خمینی درباره قاعده لاضرر دارند می‌توان بستر مناسبی برای شکل‌گیری حق بر سلامت باشد. از نظر ایشان حدیث به معنای نهی از ضرر هست اما نه نهی مولوی همانند اکثر نواحی مذکور در قرآن و سنت، بلکه به معنای نهی مولوی حکومتی از واردکردن ضرر بر دیگری است. به عقیده ایشان صدور چنین نهی ای از طرف پیامبر صلی الله علیه و اله با توجه به منصب زمامداری و حاکم بودن وی است. نقل حدیث مذکور در برخی از منابع حدیثی اهل سنت با عبارت «و قضی ان لاضرر، لاضرر مؤید همین معناست؛ زیرا در اینجا از لفظ «قضی» استفاده شده است که ظهور در این مطلب دارد که مورد امر شده یا قضاوت شده از احکام پیامبر صلی الله علیه و اله از آن جهت که حاکم و زمامدار است، است. لازم به ذکر است مقام مورد بحث، مربوط به فصل خصومت و منصب قضای پیامبر صلی الله علیه و اله نیز نیست چون جهلی نسبت به حکم و موضوع وجود ندارد.

قاعده تسبیب

اصطلاح تسبیب در منابع فقهی و حقوقی در برابر مباشرت (به معنای انجام دادن بی‌واسطه یک کار) به کار می‌رود که هر

دو از اقسام اتلاف و از اسباب مهم ضمان اند، البته در مواردی نیز در برابر اتلاف به کاررفته که مراد از آن اتلاف به معنای عام نیست بلکه اتلاف با مباشرت است. از نظر فقها مستند ثبوت ضمان در تسبیب، چه در باب اموال چه در جنایات محقق است. صاحب جواهر در مورد ضمان ناشی از تسبیب می‌گوید: «در این خصوص بین فقها اختلافی نیست و علاوه بر آن، اخبار متعددی بر وجود چنین قاعده‌های دلالت دارد.» روایات ذکرشده اطلاق دارند و اعم هستند از اینکه مرتکب با قصد و نیت اضرار به غیر مبادرت به عمل کند یا اینکه بدون قصد و نیت خاصی اقدام کند و سبب ایراد خسارت به دیگری شود. اگر مدارک قاعده، روایات باشد، به علت عموم و شمول روایات، اعمال عمدی و غیرعمدی هر دو تحت حکم قرار می‌گیرند و فاعل به هر حال ضامن خواهد بود.

خودداری از انجام تکلیف قانونی خاص هنگامی پیش می‌آید که قانون شخصی را به انجام عمل معینی مکلف کند مانند تکلیف نگهداری طفل (حضانت) برای پدر و مادر (ق. م ۱۱۶۸) که هیچ‌یک از آن‌ها حق ندارد در مدتی که حضانت به عهده اوست از نگهداری طفل امتناع و خودداری کند. (ماده ۱۱۷۲ ق.م). منشأ این‌گونه تکالیف، قانون به معنای خاص کلمه، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌های معتبر و در پاره‌های از موارد عرف و عادت خاص است. (مفاد ماده ۹۵۲ ق.م) پس هرگاه قاعده خاصی، اعم از اینکه قانون به معنی خاص کلمه یا عرف معینی باشد و برای کسی تکلیف و وظیفه‌ای را معین نماید، آن شخص باید به وظیفه قانونی یا عرفی خویش عمل کند در غیر این صورت، مرتکب تقصیر (از نوع ترک فعل) شده و در مقابل زیان‌دیده مسئول قرار خواهد گرفت مانند وظیفه رانندگان در کمک رساندن به مصدومان و مجروحان یا وظایف مأموران آتش‌نشانی در اطفاء حریق و نجات کسانی که در آتش‌سوزی گیر افتاده‌اند. استنکاف مأمور در این‌گونه موارد تقصیر محسوب شده، علاوه بر اینکه برای او مسئولیت مدنی

ایجاد می‌کند حتی ممکن است در پاره‌ای از موارد مسئولیت کیفری نیز داشته باشد. در بحث جهاد نکاح نیز فرد به اصطلاح و در ظاهر جهادگر! با انجام جهاد نکاح با زنان مختلف زمینه و تسبیب در ورود خسارت‌های جسمی و روحی و روانی و در خطر انداختن سلامت زنان را ایجاد می‌کند و از باب تسبیب در ورود ضررهای بهداشتی و پزشکی مسئول است.

حق بر سلامت در حقوق بین‌الملل

حق بر سلامت در اسناد حقوقی مختلف بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است که در ادامه به تبیین و بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

اعلامیه جهانی حقوق بشر

بر اساس ماده ۲۵ اعلامیه «هرکس حق دارد که سطح زندگی سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارد که در موقع بیکاری، بیماری، نقض اعضاء، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان، وسایل امرارمعاش از بین رفته باشد از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود.» مطابق بند دوم این ماده «مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره‌مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند حق دارند که همه از حمایت اجتماعی برخوردار شود.»

روشن است که در این ماده به صورت مستقیم به حق بر سلامت تصریح نشده است اما تأمین حق سلامت اگر نگوییم لازمه، دست‌کم همیسته تحقق حق بر زندگی آبرومندانه و مبتنی بر رضایت از شرایط رفاهی است. به بیان دیگر نمی‌توان زندگی که در اعلامیه به آن تصریح شده است را بدون توجه به حق سلامت تصور کرد.

ماده ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

اساسنامه سازمان بهداشت جهانی (WHO)

در مقدمه این سند آمده است که: «سلامت عبارت است از برخورداری از آسایش کامل جسمی روانی و اجتماعی و نه فقط نداشتن بیماری و نقص عضو» و هدف سازمان را ارتقای سطح سلامت همه فرزندان بشر تا بالاترین حد ممکن اعلام داشت. سازمان بهداشت جهانی که در سال ۱۹۴۸ به عنوان نخستین آژانس تخصصی ملل متحد تأسیس شد، نقش مؤثری در تهیه پیش نویس مقررات مربوط به حق بر سلامت و به ویژه ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی داشته است. فعالیتها و بیانیهها و گزارشها و دیگر اقدامهای این نهاد در استخراج عناصر سازنده حق بر سلامت مؤثر و تعیین کننده بوده است. در میان انبوه کثیری از فعالیتها و گزارشها و بیانیههایی که این سازمان در فواصل مختلف منتشر ساخته است، مهمترین و بلکه اصلی ترین سند آن در حوزه سلامت با عنوان «استراتژی سلامت برای همه» است. این استراتژی را می توان مهمترین سند سازمان در زمینه سلامت دانست که بیانگر رویکرد حق محور به سلامتی است.

برنامه مراقبت اولیه سلامتی شامل موارد زیر می شود: آموزش در خصوص روش های پیشگیری و مهار معضلات بهداشتی شایع، تأمین غذا و تغذیه کافی و مناسب، تأمین آب آشامیدنی سالم و کافی رعایت اصول ابتدایی دفع فاضلاب، تأمین سلامت مادر و کودک از جمله تنظیم خانواده، واکسیناسیون و پیشگیری و مهار بیماری های بومی، درمان صحیح بیماریها و آسیب های شایع و تهیه داروهای ضروری. استراتژی سازمان بهداشت جهانی چند خط مشی بنیادی را به عنوان مبنای خود شناسایی کرده که در میان آنها، توزیع منصفانه منابع سلامتی چه در عرصه بین المللی و میان کشورهای جهان و چه داخل کشورها و میان شهروندان آنان، هماهنگ کردن توسعه سلامتی با توسعه اقتصادی و استفاده کامل تر و بهتر از منابع جهان برای ارتقای سلامتی و توسعه اهمیت خاصی دارد.

ماده ۱۲ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است به صورت صریح به حق بر سلامت تصریح می کند. این میثاق حق هر کس را به تمتع از بالاترین حالت سلامت جسمی و روحی ممکن الحصول به رسمیت می شناسند. تدابیری که کشورهای عضو این میثاق برای تأمین استیفای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد شامل اقدام های لازم برای تأمین امور ذیل خواهد بود:

الف) تقلیل میزان مرده متولد شدن کودکان؛ مرگومیر کودکان و رشد سالم آنان
ب) بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات
ج) پیشگیری و معالجه بیماری های همه گیر بومی، حرفه ای و سایر بیماری ها، همچنین پیکار علیه این بیماری ها.
د) ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مراجع پزشکی و کمک های پزشکی برای عموم در صورت ابتلا به بیماری.

منشور ملل متحد

ماده ۵۵ منشور ملل متحد به حق بر سلامت اشاره دارد. بر اساس این ماده، دولت ها متعهد به ترویج راه حل هایی برای برون رفت از مشکلات مربوط به سلامت هستند. در منشور ملل متحد، فصل نهم بخش همکاری های اقتصادی و اجتماعی بین المللی، ماده ۵۵ چنین آمده است: «به منظور ایجاد شرایط ثبات و رفاه که برای تأمین روابط مسالمت آمیز و دوستانه بین المللی بر اساس احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل، سازمان ملل متحد امور زیر را تشویق خواهد کرد: ... حل مسائل بین الملل اقتصادی - اجتماعی - بهداشتی و مسائل مربوط به آنها و همکاری بین المللی فرهنگی و آموزش».

در ماده ۶۵ منشور نیز آمده است که کلیه اعضا متعهد می شوند که با همکاری سازمان ملل متحد برای نیل به مقاصد مذکور در ماده ۵۵ به طور مستقل یا با همکاری یکدیگر اقدام هایی به عمل آورند.

بررسی پیامدهای جهاد نکاح از منظر حق بر سلامت: با تأکید بر ...

ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی در اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی نیز مواردی از حق بر سلامت دیده می‌شود. در ماده دوم این اعلامیه آمده است: «وضع بهداشت و سلامت و برخورداری از خدمات اجتماعی و خانواده از طرف جامعه. دولت. با آماده کردن همه وسایل عمومی که وضع بهداشت و زندگی تأمین اجتماعی در حدود امکانات به آن‌ها نیازمند است. حق هر انسانی است و باید تأمین و مراعات شود.» بر پایه بند اول این ماده «دولت‌ها وظیفه دارند با ساخت بسترهای لازم و مناسب و کافی زمینه دسترسی تمامی شهروندان را به خدمات بهداشتی و درمانی و رفاهی فراهم سازند و هیچ‌کسی به هیچ بهانه‌ای نباید تحت ستم قرار گرفته و از آن محروم گردد.»

بند دوم این ماده اشاره می‌کند که «دولت‌ها باید حق هر انسان را برای یک زندگی باکرامت که کفایت او و اشخاص تحت کفالت او را تحقق ببخشند، ضمانت نماید. موضوع این حق، خوراک و پوشاک، مسکن، تعلیم و تربیت، معالجات و دیگر نیازهای اساسی را شامل می‌شود.»

آسیب‌ها و تهدیدات جهاد نکاح برای سلامت افراد در جهاد نکاح از آنجایی که ارتباط یک فرد با زنان مختلف و در شرایط غیربهداشتی و نوعاً غیراستاندارد جنگی صورت می‌پذیرد خطرات بیماری‌های مراقبتی همچون هپاتیت و ایدز و سایر بیماری‌ها را در پی خواهد داشت علاوه بر آن آسیب‌های روحی روانی که به دختران و زنان وارد می‌آید جبران‌ناپذیر است. تحقیقات صورت گرفته حاکی از آن است که اثرات آزار جنسی بر روی زندگی اجتماعی و فردی قربانیان، در زنان و مردان یکسان بوده و در هر دو آن‌ها ممکن است اثرات جبران‌ناپذیر اجتماعی، مانند اختلال در برقراری ارتباطات، اعتیاد به الکل، مواد مخدر و مشکلات روحی دیگر بگذارد. نتایج این تحقیق در مجله پزشکی (American Journal of Preventive) به ثبت رسیده و بسیار مورداستفاده واقع شده

است. در طی این تحقیق، محققان با بیش از هفده هزار فرد بزرگسال به‌طور تصادفی مصاحبه و نظرسنجی به عمل آوردند. در این نظرسنجی از افرادی که شرکت کرده بودند درباره خاطره آزار جنسی‌شان و همچنین وضعیت سلامت روحی و مشکلات اجتماعی آن‌ها سؤال شد. در این نظرسنجی، ۱۵ درصد از زنان و بیش از ۱۶ درصد از مردان اظهار داشتند که در کودکی مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند.

هنگامی که درباره جنسیت فرد آزاردهنده از افراد سؤال شد، زنان اظهار کردند که در ۱۴ درصد از مواقع، مردان کسانی بودند که آن‌ها را مورد آزار جنسی قرار دادند. در عین حال، مردان نیز اظهار کردند که جنسیت سوءاستفاده کنندگان تقریباً برابر بوده است و معمولاً زنان ۴۱ درصد از آزارهای جنسی را مرتکب شده‌اند.

آمارها نشان می‌دهد که اقدام به خودکشی در زنان و مردانی که در کودکی مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند، حدود دو برابر افراد دیگر است. همچنین اطلاعات به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که بزرگسالان هر دو جنس زن و مرد که در کودکی مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته بودند، بیشتر از سایر افراد دچار اعتیاد به الکل و مواد مخدر می‌شوند (13). در جهاد نکاح نیز متأسفانه اکثر دختران در سنین کم قرار دارند و مورد این سوءاستفاده جنسی قرار گرفته و آثار زیان‌بار روحی و روانی و جسمی و بیماری‌های مراقبتی را برای آن‌ها در پی داشته است.

نتیجه‌گیری

حق بر سلامت یکی از حقوق شناخته‌شده در اسناد بین‌المللی است. بر اساس بررسی‌های انجام در این پژوهش مشخص گردید قرآن کریم، فقه اسلامی و اسناد بین‌المللی حقوقی همگی حق بر سلامت را محترم شمرده و بر رعایت و پاسداشت آن توسط تک‌تک انسان‌ها تأکید ورزیده است. جهاد نکاح نیز از آنجایی که آثار و پیامدهای زیان‌بار بسیاری را برای سلامت

Reference

1. The Holy Quran
2. Abu al-Hussein, Ahmed bin Faris bin Zakaria (1404), Ma'jam Maqais al-Lagha, Qom, Publications of the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary.
3. Ibn Abedin, Muhammad Amin Ibn Omar (1407), Rad al-Mukhtar, Ali al-Dur al-Mukhtar, Beirut, Dar al-Fikr.
4. Najafi, Mohammad Hassan (1367), Jawaharlal Kalam, Tehran, Darul Kitab al-Islamiya.
5. Farahidi, Khalil bin Ahmad (1410), Kitab al-Ain, Qom, Hijrat Publishing.
6. Naraghi, Molly Ahmad bin Muhammad Mahdi (1415), Documentary of Shi'a in Al-Ahkam al-Sharia, Qom, Al-Bayt Institute, peace be upon them.
7. Tabatabaei, Mohammad Hossein (1374), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiya.
8. Makarem Shirazi, Nasser (1375); Sample interpretation, Tehran, Darul Kitab al-Islamiya.
9. Tayeb, Seyyed Abdul Hossein (1378) Atyeb al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran, Islam Publications.
10. Tabarsi, Abu Ali Fazl bin Hasan (1415), Al-Bayan Forum in Tafsir al-Qur'an, Beirut, Al-A'jami Press Institute.
11. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah (2013), Jihad with Self or Jihad al-Akbar, Tehran, Imam Khomeini's (R.A.) Editing and Publishing Institute.
12. Al-Husaini al-Bahrani, Sayyid Hashem (1403), Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an, Qom, Al-Ba'ath Institute.
13. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah (1379), Tahrir al-Wasila, Tehran, Institute for editing and publishing the works of Imam Khomeini (RA).
14. <http://armitacilinic.com/article/109>

جسمی، روحی و روانی افراد در پی دارد در تضادی آشکار با حق بر سلامت افراد است؛ بنابراین از دریچه این حق بنیادین بشری می‌توان جهاد نکاح را یک پدیده غیرانسانی و غیردینی قلمداد کرد و عاملان و مسببان آن را از باب ورود ضرر و تسبیب در ورود ضرر و زیان به سلامت افراد مورد تعقیب‌های کیفری و قضایی قرار داد.

Investigating the Consequences of Jihad Nikah from the Perspective of the Right to Health : with an Emphasis on the Holy Qur'an and Jurisprudence and Medical Law

Ataullah Rejali¹, Morteza Tabibi Jebli^{2*}, Massoud Rai Dehghi³

Abstract

Purpose: The right to have the highest attainable standards of health or the right to health is one of the human rights whose importance is emphasized in human rights documents. Personal health is considered as one of the most important components of the dignity of every human being. Therefore, the right to health is recognized as one of the fundamental human rights in the international human rights system.

Materials and Methods: This research was done with the method of library studies and in a descriptive-analytical way, which was obtained and analyzed by referring to the Holy Quran and jurisprudential-legal evidences.

Findings: Examining Islamic sources, including verses, narrations, and jurisprudence books, shows that the religion of Islam also emphasizes the need to preserve and improve people's health. Having the right to life and health is one of the natural human rights that God has given to mankind. and agrees with human dignity. And every creature, even animals and plants, have the right to life and health. . This is where the right to health, as an internationally recognized right, questions the legitimacy of this phenomenon, and the Holy Qur'an also warns people against endangering their health and says: "Walatulqwa bi-aidikum il-lai-al-tahluqa" (Baqarah195).

Conclusion: The Holy Qur'an, jurisprudence and medical law have recognized the right to health. Since the jihad of marriage is in clear contradiction with the right to the health of individuals, therefore, based on the aforementioned evidence, one can comment on the impermissibility and necessity of preventing its conclusion.

Keywords: marriage jihad, medical jurisprudence, right to health, verses of the Holy Quran

1. PhD Graduate , Department of Theology and Islamic Studies, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2*. Corresponding author Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

3. Associate Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran